

این مهارت‌ها را شش تا دوازده ماه یاد بگیرید تا برای تمام عمر جلو بیفتید

نویسنده: دن کو

تاریخ انتشار در ۱۲ X: اوت ۲۰۲۵

ترجمه کامل فارسی

عنوان اصلی

Learn these skills for ۶-۱۲ months and you're set for life

پیش از شروع: دومین چالش Future-Proof تازه آغاز شده و تا ۱۹ اوت، یعنی یک هفته دیگر، ۷۵ دلار تخفیف دارد؛ سه روز و شش ساعت آموزش برای اینکه استخدام‌ناپذیر شوید و یاد بگیرید چگونه خودتان را به یک محصول تبدیل کنید. سخنرانان من، جی‌کی مولینا و جاستین ولش هستیم؛ کسانی که کسب‌وکارهای یک‌نفره یک‌میلیون‌دلاری ساخته‌اند، بعضی با دنبال‌کنندگان بسیار و بعضی با مخاطبان کمتر. اگر می‌خواهید ساده‌ترین راه شروع درآمدزایی، تبدیل هوش مصنوعی به بازاریاب یا کپی‌رایتر خود و بهترین مسیرهای کسب درآمد برای تازه‌کارها را ببینید، پیوند آن در متن اصلی است. تبلیغ تمام؛ برویم سراغ نامه. بزرگ‌ترین اشتباه مالی‌ای که می‌بینم این است که مردم خودشان را برای مشاغل پردرآمدی بهینه می‌کنند که هیچ علاقه‌ای به آن‌ها ندارند. بهتر است روی کاری سرمایه‌گذاری کنید که بتوانید در آن به یک درصد برتر جهان برسید. یک درصد برتر یوتیوبرهای بازی Halo، تاریخ‌دانان جنگ جهانی دوم یا مربیان آکروبوگا چند برابر یک برنامه‌نویس متوسط درآمد دارند. - مکس در X. ما از نوجوانان انتظار داریم تا شانزده یا هجده سالگی تکلیف همه‌چیز را روشن کرده باشند؛ انتظاری آشکارا بی‌منطق، چون تا آن سن بیشتر یاد گرفته‌اند از والدین، معلمان و همسالان تقلید کنند. هنوز یاد نگرفته‌اند چگونه یاد بگیرند، چگونه فکر کنند یا هدف‌های خودشان را بسازند. بعد آن‌ها را راهی دانشگاه می‌کنیم تا در کتاب‌های درسی غرق شوند و چیزی یاد نگیرند، چون آموزش واقعی محصول انجام‌دادن است، نه فقط مطالعه‌کردن.

آن‌ها قصد دارند پزشکی، وکیل شوند یا مسیر شغلی "پردرآمد" بعدی را که به صورت آنلاین پیدا کرده اند، پیش از درخواست برای چند کالج دنبال کنند. بنابراین، شما وارد نیروی کار می‌شوید. شما با توده‌هایی که همین کار را می‌کردند رقابت می‌کنید. و به زودی ۴۰ ساله می‌شوید، دچار بحران میان‌سالی می‌شوید و سعی می‌کنید تمام تجربه‌هایی را که از دست داده‌اید، جبران کنید. الگویی که من در افراد موفق مشاهده کرده‌ام این است که آن‌ها در اوایل زندگی دچار بحران شده اند. آن‌ها از این واقعیت آگاه شدند که سیستم آموزشی ساختاری است که بر انرژی فکری منطبق است، همانطور که احزاب سیاسی و بیانیه‌های ماموریت شرکت‌ها نیز همین کار را می‌کنند. آن‌ها از این ایده که مثل بقیه به پایان برسند منزعج شدند. آن‌ها تصمیم گرفتند زندگی خود را هدایت کنند، ساختار را ترک کنند، اهداف و قوانین خود را تعیین کنند و مسیری را کشف کنند که منحصر به آن‌ها بود، زیرا آموزش واقعی کشف است، نه حفظ. آن‌ها با تلاقی منافع خود به یک درصد برتر جهان تبدیل شدند. آن‌ها مهارت‌های لازم برای متکی شدن به خود را به‌دست‌آوردند.

آن‌ها ۲ برابر، ۵ برابر و حتی ۱۰ برابر آنچه جامعه به عنوان پردرآمدترین مشاغل به فروش می‌رساند، به‌دست‌آوردند. و در عصر هوش مصنوعی، ایجاد مسیر شما روز به روز اختیاری‌تر می‌شود. اگر می‌خواهید بدانید در چه چیزی مهارت دارید، بیاموزید که به چه مهارت‌هایی برای اتکا به خود نیاز دارید، و چگونه می‌توانید از هر دو درآمد زیادی کسب کنید، این برای شما مناسب است.

چگونه بفهمید در چه کاری استعداد دارید

بزرگ‌ترین اشتباه اشتباه نکردن است. زیرا اکثر مردم ۳۰ ثانیه به آینده خود فکر می‌کنند تا فرصت بعدی برای دوپامین ظاهر شود. آن‌ها به این نتیجه می‌رسند که "نمی‌دانند با زندگی خود می‌خواهند چه کنند" و هویت آن‌ها می‌شود. این پاسخ پیش فرض آن‌ها می‌شود و آن‌ها تا آخر عمر به مهمترین چیزی که باید هر روز به آن فکر کنند، فکر نمی‌کنند. هر چیزی که در زندگی معنادار است در پایین دست خود هدایتی است. هدفی را انتخاب می‌کنید که فکر می‌کنید برای زندگی‌تان مفید است یا برایتان کمی جالب است، با سرمایه‌گذاری انرژی روی آن هدف، چیزهای بیشتری را کشف می‌کنید (شما آن را زندگی می‌کنید، به آن فکر می‌کنید، و روی آن عمل می‌کنید)، و تنها در این

صورت است که نقاط داده (تجربه) برای ایجاد اهداف پالایش شده دارید که منجر به کشف آنچه واقعا به شما علاقه دارد. این به عنوان یک جمله ساده به نظر می‌رسد، یا شاید اینطور نباشد، اما شما در واقع هرگز به مقصد نهایی نمی‌رسید. حدود ۵ تا ۱۰ چرخه طی ۳ تا ۵ سال طول می‌کشد تا حتی احساس کنید در مسیر درستی هستید، اما حتی در آن زمان نیز هرگز دست از آزمایش بردارید. همه سیستم‌های هوشمند این ویژگی را دارند: تلاش، عمل، دیدن تفاوت، تغییر، تلاش، عمل، دیدن حس کردن. یک سیستم نمی‌تواند هوشمند باشد مگر اینکه این ویژگی‌ها را داشته باشد. سایبرنتیک قوی‌ترین زبان برای توصیف سیستم‌هایی است که دارای اهداف هستند. - Paul Pangaro

راهی برای مدل سازی جهان است. و منظور ما از جهان، فقط جهان فیزیکی مکانیکی نیست، بلکه Cybernetics جهان زیستی، اجتماعی و حتی ذهنی نیز هست. همه آن‌ها همپوشانی دارند. وقتی کشتی را به سمت فانوس دریایی هدایت می‌کنید و از مسیر منحرف می‌شوید، این یک اشتباه است، بنابراین مسیر را بارها و بارها تصحیح می‌کنید تا به فانوس دریایی برسید نه اینکه در وسط اقیانوس گم شوید.

هنگامی که در حال گفتگو هستید، ممکن است متوجه نشوید که هدفی برای آن وجود دارد، بنابراین وقتی که شروع به بیات شدن و بی دست و پا شدن می‌کند، نمی‌دانید چگونه مسیر خود را اصلاح کنید و به دلیل اینکه شبیه یک احمق به نظر می‌رسید به خود لگد می‌زنید. وقتی بدن شما گرم می‌شود، عرق می‌کند. هنگامی که در بازار سهام سرمایه‌گذاری می‌کنید، به دلیل سیستم‌های هدف یابی مختلف که ممکن است متوجه آن‌ها شوید یا ندانید، این بازار بالا یا پایین می‌رود. وقتی سعی می‌کنید آنچه را که در آن مهارت دارید پیدا کنید تا بتوانید از آن درآمد کسب کنید، این یک هدف است و درست مانند هر چیز دیگری، موفقیت شما در انجام آن به تصحیح خطا خلاصه می‌شود.

تلاش • مقایسه با هدف • تغییر • و تکرار بدون دلسردی تا حد بازگشت به زندگی از پیش تعیین شده. همانطور که ناوال گفت: "آزمون واقعی هوش بدست آوردن چیزی است که از زندگی می‌خواهید." بنابراین، اگر هوش نه تنها برای تصحیح خطا به سمت یک هدف، بلکه برای ایجاد اهداف جدید باشد، این امر نشان می‌دهد که چرا بسیاری از مردم امروز شکست می‌خورند: شما در کودکی مشروط به دنبال کردن اهداف محدودی (مدرسه، شغل، بازنشستگی) هستید که فضای کمی برای شکست دارند. شما یک توپ بولینگ هستید که وقتی حتی نمی‌خواهید بولینگ بازی کنید، با ضربه گیرها به سمت پایین پرتاب می‌شود. در زندگی خودم، در یک لحظه متوجه نشدم که در چه چیزی خوب هستم. هرگز در زندگی‌ام فکر نمی‌کردم تا این حد از نوشتن لذت ببرم، و مطمئن هستم که کاری که از انجام دادن آن لذت می‌برم مانند آینده کار تغییر خواهد کرد (شاید مجبور باشید کاری را که انجام می‌دهید تغییر دهید - خود را با شناسایی ابزاری برای انجام کار معنادار محدود نکنید). من به دانشگاه رفتم زیرا قرار بود این کار را انجام دهم. من هر ترم مسیر تحصیلی را تغییر می‌دادم تا اینکه در توسعه وب وسواس پیدا کردم و از رفتن به کلاس صرفنظر کردم تا بتوانم در وقت آزادم آن را مطالعه کنم (هنوز در کلاس حاضر شدم). در طول مسیر، من هر مدل کسب‌وکار آنلاین زیر آفتاب را امتحان کردم. من در همه آن‌ها شکست خوردم، اما توانستم به عنوان یک طراح وب شغل مناسبی پیدا کنم. اما این پایان من مثل خیلی‌ها نبود. در عوض، این شانس من بود که سریع‌تر آزمایش کنم در حالی که یک شبکه ایمنی داشتم که خطر و عدم اطمینان را کاهش می‌داد که می‌توانست ذهنم را مخفی کند و به پیشرفت من آسیب برساند. من وارد شبکه‌های اجتماعی شدم تا مشتریان طراحی وب آزاد را جذب کنم، شروع کردم به صحبت در مورد علایق دیگرمانند مدیریت عاطفی و معنویت، و در طول انتشار حداقل ۲۰ راهنما و محصول، متوجه شدم که در چه چیزی بسیار خوب هستم - تغییر طرز فکر مردم در مورد زندگی خود. چه کسی در دنیا فکرش را می‌کرد که من می‌توانم از آن منبع درآمد قوی بسازم؟

با مدرک تخصصی نمی‌توان به آن نقطه رسید. شما فقط از طریق قطعی کردن موارد نامطمئن از طریق آزمون و خطا می‌توانید به آن برسید. و شما نمی‌توانید با آنچه در آن مهارت دارید، بدون ترکیب مهارتی خاصی که در طول مسیر ایجاد می‌کنید، درآمد کسب کنید (که در مدارس نیز نمی‌توان آن را یاد گرفت، زیرا آن‌ها تهدیدی مستقیم برای هدف آن سیستم، که سود است) هستند. اگر این نامه را دوست دارید، این نامه را لایک کنید

ترکیب مهارتی یک درصد برتر

تنها افرادی که واقعا نگران هوش مصنوعی هستند کسانی هستند که کارشان شبیه به یک ماشین است. به یک ماشین وظیفه ای محول می‌شود و تنها هدف آن تکمیل آن کار است. باز هم، توپ بولینگ با ضربه گیرها در خط. و در حالی که به نظر می‌رسد این همیشه باعث عصبانیت برخی افراد می‌شود، در اینجا ذره ای حقیقت وجود دارد، و آن این است که تعریف ماشین به تعریف برده بسیار نزدیک است. مشکل همینکه نظام آموزشی فعلی نشان دهنده آموزش بردگان است. اگر می‌خواهید تاریخچه پشت آموزش به سبک پروس به غرب آورده شود، کتاب من، هدف و سود (رایگان) را بخوانید. به بردگان مهارت‌های شغلی خاص مانند کشت گندم، گله داری گوسفندان و اسب سواری آموزش داده می‌شد. امروز به ما یاد می‌دهند که کارگران مفیدی باشیم، زیرا این چیزی است که بیشتر به نفع سیستم اجتماعی است. اگر اطاعت نکنید، مجازات می‌شوید. اگر این کار را انجام دهید، پاداش می‌گیرید. شما اشتباهات خود را تصحیح نمی‌کنید، بلکه در حال شکل گیری هستید. پاداش و مجازات. مهم نیست که از چه سمتی به مؤسسات آموزشی نگاه کنید، اگر واقعا با چشمان روشن به آن نگاه کنید، بدی‌ها به شدت بیشتر از خوب است، اما گزینه‌های کمی وجود دارد - به غیر از دوره‌های اقتصاد خلاق و آموزش خانگی - که امکان آموزش مبتنی بر علاقه را فراهم می‌کند. تفاوت انسان و ماشین در این است که از کسی که آزاد است انتظار می‌رود در طول زندگی خود به منافع خود عمل کند و کارهای زیادی انجام دهد. آن‌ها با پیگیری علایق خود آموزش می‌بینند، و این از طریق آزمون و خطا به سمت یک هدف خودساخته رخ می‌دهد. این مستلزم آن است که یاد بگیرید چگونه یاد بگیرید، چگونه فکر کنید، چگونه زندگی کنید و چگونه کسب درآمد کنید. برای تبدیل شدن به ۱٪ برتر در کاری که فقط شما می‌توانید انجام دهید، مهارت‌های شغلی خاص تنها مکمل چیزی هستند که دوون اریکسن آن را "هنرهای رهایی بخش" می‌نامد. مشابه هنرهای لیبرال که قرار بود شما را آزاد کنند، اما از آنجایی که آن‌ها یک بخش در ساختار ایدئولوژیک هستند، برعکس آن را انجام می‌دهند. هنرهای رهایی بخش عبارتند از:

- منطق: چگونه می‌توان حقیقت را از حقایق شناخته شده استخراج کرد
- آمار: چگونگی درک مفاهیم داده‌ها
- لفاظی: چگونه می‌توان تاکتیک‌های متقاعدسازی را متقاعد کرد و تشخیص داد
- تحقیق: نحوه جمع آوری اطلاعات در مورد یک موضوع ناشناخته
- (عملی) روان‌شناسی: چگونگی تشخیص و درک انگیزه‌های واقعی دیگران
- سرمایه‌گذاری: نحوه مدیریت و رشد دارایی‌های موجود
- عاملیت: نحوه تصمیم گیری در مورد مسیری که باید دنبال شود و به‌طور فعال برای پیگیری آن اقدام کرد.

من همچنین یکی از روش‌های خود را اضافه می‌کنم، تحمل ریسک، زیرا خلق ثروت همیشه در توانایی شما برای پذیرش عدم اطمینان است. ۵-۹ نامشخص نیست، اما تجارت، سرمایه‌گذاری و انجام کارهایی که برای توده‌ها غیرعادی است، نامشخص است. اما چگونه می‌توان این مهارت‌ها را یاد گرفت؟ شما یک وسیله نقلیه برای آن‌ها انتخاب می‌کنید. در بیشتر موارد، آن وسیله نقلیه تحت عنوان کارآفرینی قرار می‌گیرد، اما در قسمت آخر این نامه در مورد گزینه‌های دیگر صحبت خواهیم کرد. به کسانی که می‌گویند: "هرکسی نباید کارآفرین باشد یا نمی‌خواهد کارآفرین باشد"، فکر می‌کنم شما فاقد دیدگاه هستید. اگر فرصتی به شما پیشنهاد می‌شد که کاملاً منطقی بود و مجبور بودید خود را برای رسیدن به آن آموزش دهید (مانندی که در حال حاضر با وضعیت فعلی خود دارید)، این کار را انجام می‌دهید، به خصوص اگر به معنای جبران مالی بالاتر باشد. مشکل این است که شما نمی‌خواهید خودتان از مشکلات و ناامنی کشف آن فرصت عبور کنید. شما فکر می‌کنید دردناک خواهد بود، که خواهد بود، اما بهترین چیزها در زندگی در آن سوی رنج قرار دارند که انتخاب می‌کنید آن را تحمل کنید. بسیاری از مردم حتی از راه دور از اینکه کارآفرینی چگونه روان را منفعت می‌کند و آن را گسترش می‌دهد آگاه نیستند. فراتر از آن، مفهوم مدرن «شغل» (کار مزدی به جای کار خانوادگی یا تجاری) یک تحول بسیار جدید است که در طول انقلاب صنعتی به وجود آمد. پیش از آن مردم بیشتر کشاورز، صنعتگر و شاگرد بودند. آن‌ها حرفه خود را هدایت کردند، زیرا انسان‌ها اینگونه هستند. بیشتر مردم فکر می‌کنند که وقتی کار تعادل ضروری برای استراحت است، هرگز نمی‌خواهند دوباره کار کنند، مانند اینکه شادی بدون نقطه مرجع غم و اندوه معنا ندارد. شما به هر دو نیاز دارید. شما به سادگی فاقد کار معناداری هستید که شما را به تکامل سوق می‌دهد و مغز شما را در همه مکان‌های مناسب روشن می‌کند. اجداد شما کارآفرین بودند. مغز شما برای شکار سیم کشی شده است. "کسب‌وکار" شکارگاه مدرن است. دیگر لازم نیست به دنبال غذا بگردید، اما نادیده گرفتن این جنبه از مغزتان عاقلانه نیست. و با وعده‌ی هوش مصنوعی که ما را از شر کارهایی که از آن متنفریم خلاص می‌کند، بسیاری از مردم به لطف بخشی از طبیعت انسانی که باعث می‌شود ما را به چیزهایی که ما را می‌کشند محکم ببندیم، آن را به چالش می‌کشند، اما افراد باهوش آن را فرصتی برای انجام کاری می‌دانند که قرار بود انجام دهند.

آخرین ایراد قبل از اینکه به نحوه انجام آن بپردازیم: کارآفرین بودن به معنای ساختن یک شرکت میلیارد دلاری نیست. با همه نگرانی‌های من، این صرفاً به معنای خلق و کارگردانی کار خود است، حتی اگر درآمد جانبی ۲۰۰۰ دلاری در ماه باشد که به شما امکان می‌دهد روی چه پروژه‌ای کار کنید، زیرا این اصل یک زندگی لذت‌بخش است.

چگونه از کاری که در آن خوب هستید درآمد بسازید

دن، افراد زیادی هستند که در کاری که انجام می‌دهند ۱٪ برتر هستند، اما هنوز درآمد بسیار کمی دارند. درست است، زیرا آن‌ها یک قطعه مهم از پازل را از دست داده اند: تعقیب عالی. اگر آن افراد (۱) از فرصت برای ساختن بیشتر آگاه بودند و (۲) بدون اجازه به آن عمل می‌کردند، بیش از آنچه که در آن مهارت دارند یاد می‌گرفتند. آن‌ها عمداً مهارت‌هایی را که منجر به پول و اهرم مالی می‌شد، جمع می‌کردند. آن‌ها وسیله نقلیه مناسب را برای آنچه در آن مهارت دارند انتخاب می‌کنند. در دنیای دیوانه وار تکنولوژی امروز، چند مسیر برای افرادی وجود دارد که می‌خواهند ببینند چه توانایی‌هایی دارند. ابتدا می‌توانید به یک استارت‌آپ بپیوندید. یک استارت‌آپ سرعت بالایی دارد و عاملیت بالایی دارد. حتی اگر اگر موسس یا مدیر اجرایی نباشید ممکن است به عنوان یک کارمند در نظر گرفته شوید، مجبورید ذهنیت کارآفرینی به دست آورید. از شما انتظار می‌رود کاری را که در آن بهترین هستید انجام دهید، و معمولاً برای انجام آن بدون نیاز به هدایت مداوم پاداش دریافت می‌کنید. و شما می‌توانید با حقوق صاحبان

سهام مذاکره کنید. این همیشه یک امتیاز است. دوم، شما می‌توانید زیر نظر فردی موفق شاگرد شوید. از یک مربی تناسب‌اندام استفاده کنید که صدها هزار تا میلیون در ماه درآمد دارد. اگر واقعا در تناسب‌اندام فردی پرت هستی و می‌دانید در مورد چه چیزی صحبت می‌کنید، این یک مزیت بزرگ برای آن‌ها است. برای مربیان دشوار است که فردی را پیدا کنند که بتواند با همان سطح کیفیت و توجه به جزئیات، نتایج مشابهی را به مشتریان خود برساند. این تقریباً برای هر بخش از خالق یا شرکتی که می‌توانید آنلاین پیدا کنید، صدق می‌کند. این کار را ارزان انجام دهید، کسب‌وکار آن‌ها را مطالعه کنید، زمانی که ارزش خود را ثابت کردید، درآمد بیشتری کسب کنید، سپس اگر می‌خواهید کار خود را با آنچه آموختید انجام دهید. در آخر، شما می‌توانید چیز خود را بسازید. اینترنت به ۱ درصد برتر اجازه می‌دهد حتی در عجیب‌ترین موضوعات به اوج برسند، اما فقط در صورتی که بفهمند اینترنت چگونه همه‌چیز را تغییر داده است. قبل از اینترنت، دارایی‌های سنتی وجود داشت. به هنرهای زیبا، شراب‌های کمیاب، ساعت‌های لوکس، املاک، سهام و کالاهایی مانند طلا یا نفت فکر کنید. برای بیشتر آن‌ها، برای به‌دست‌آوردن آن‌ها به سرمایه نیاز داشتید، و برای به‌دست‌آوردن سرمایه احتمالاً به ارتباطات مناسب و زندگی در موقعیت جغرافیایی مناسب نیاز دارید.

اکنون دارایی‌های دیجیتالی وجود دارد و هر کسی که به اینترنت متصل باشد می‌تواند آن‌ها را بسازد. لطفاً آن را بدیهی نگیرید. دارایی‌های دیجیتال تحت رسانه، داده یا کد قرار می‌گیرند. هر کسی می‌تواند محتوا ایجاد کند و مخاطب بسازد. هرکسی در صورت داشتن مهارت می‌تواند نرم افزار بنویسد. یک پایگاه مخاطب یا مشتری به داده‌هایی منجر می‌شود که می‌توان از آن برای تکرار و پیشرفت سریع‌تر از سایرین استفاده کرد. اکنون، به نظر من (و بسیاری دیگر)، حتی اگر در کدنویسی ۱٪ برتر باشید، منطقی‌ترین پیشرفت به نظر می‌رسد این باشد:

- اولویت دادن به رسانه‌ها - اگر یک فرد تک نفره هستید، شروع به تولید محتوا کنید. اگر نوشتن را ترجیح می‌دهید، یک پلت فرم نوشتن را انتخاب کنید. اگر صدا یا تصویر را ترجیح می‌دهید، یک پلتفرم برای آن انتخاب کنید. اگر سرمایه دارید، می‌توانید شخص دیگری را استخدام کنید تا این کار را برای شما انجام دهد.
- یک کسب‌وکار خدماتی راه‌اندازی کنید - فریلنسر، مربیگری یا مشاوره در حوزه مورد علاقه خود. شما می‌توانید قیمت‌های بالاتری را در نظر بگیرید، بنابراین فقط به چند مشتری برای کسب درآمد مناسب نیاز دارید. برای انجام این کار نیازی به مخاطبان زیادی ندارید، اما به مهارت‌های اولیه فروش ۱ تا ۱ نیاز دارید.
- خدمات خود را تولید کنید - یا یک تیم بسازید و فرآیند خود را سیستمی کنید یا یک محصول اطلاعاتی بسازید که فرآیند شما را آموزش می‌دهد. همانطور که مخاطبان شما رشد می‌کنند، این گزینه‌های پایدارتر می‌شوند.
- به دنبال عدم قطعیت ادامه دهید - نرم افزار بسازید، یک محصول فیزیکی را طراحی و راه‌اندازی کنید، یا حتی شروع به سرمایه‌گذاری بزرگ کنید. شما می‌توانید تقریباً هر کاری را در این مرحله انجام دهید در حالی که عمده‌تای خود سرمایه‌گذاری می‌کنید.

اگر در حال خواندن این مطلب هستید، احتمالاً در مراحل ۱ و ۲ هستید، بنابراین فعلاً هر چیز دیگری را فراموش کنید. مردم هنوز به شدت برند و توزیع در رسانه‌های اجتماعی را دست کم می‌گیرند. مسلماً این بزرگترین مهارتی است که می‌توانید بیاموزید (ایجاد مخاطب) زیرا می‌توانید هر مدل کسب‌وکاری را به آن بچسبانید و اگر بدانید چه کاری انجام می‌دهید آن تجارت رشد خواهد کرد. یا، می‌توانید از آن مخاطب برای پیوستن و راه‌اندازی استفاده کنید، زیر نظر فردی به‌عنوان شاگرد کار کنید، یا با فردی که منابعی در اختیار شما نیست شریک شوید - مثل اینکه چگونه

یک سازنده می‌تواند با یک کدنویس شریک شود و بالعکس. می‌توانید اجازه دهید رزومه خود در کنار هزاران نفر دیگر قرار بگیرد، یا می‌توانید برای نمایش شخصیت و تخصص خود مطالبی را پست کنید. حساب شما رزومه عمومی شماست. ساختن مخاطب حول علایق خود و تبدیل آن به یک کسب‌وکار، وسیله ای عملی برای به‌دست‌آوردن هنرهای رهایی بخش به عنوان مهارت و ویژگی است. می‌دانم که در این مرحله بیش‌ازحد به نظر می‌رسد، و احتمالاً از اینکه همه در مورد آن صحبت می‌کنند خسته شده اید، اما این افراد در واقع در لبه برتری هستند. خسته شدن به شما صدمه می‌زند. بنابراین، در واقع چگونه شروع می‌کنید؟

• خب تو شروع کن شما با انجام دادن یاد می‌گیرید نه با جذب اطلاعات. اگر نیاز دارید آن را حفظ کنید، در حال یادگیری چیزهای اشتباهی هستید.

• اهداف اولیه را تعیین کنید و در مورد پیشرفت خود دقیق باشید. ۱۰۰۰ دلار و ۱۰۰۰ دنبال کننده را هدف گذاری کنید. اگر هر روز سوزن را تکان نمی‌دهید، این کار را انجام می‌دهید:

• در مورد فرآیندی تحقیق کنید که کسی با آن موفق شده است. می‌توانید این موارد را با یک جستجوی ساده در گوگل یا یوتیوب بیابید (من از ChatGPT برای یافتن فرآیندهایی که منحصر به افرادی هستند که نتایج دریافت کرده‌اند استفاده نمی‌کنم. ChatGPT به شما زبانه‌های عمومی برای این مورد استفاده می‌کند).

• با تکنیک‌های مختلف آزمایش کنید. نکات و تاکتیک‌هایی را که یاد می‌گیرید فوراً اعمال کنید. ایجاد مخاطب یا کسب‌وکار به شما این امکان را می‌دهد که فوراً آنچه را که یاد می‌گیرید به کار ببرید. این مهم‌ترین بخش است.

• الگوها و اصول را شناسایی کنید. توجه داشته باشید که چه چیزی کار می‌کند، چه چیزی با آموزه‌های مختلف همپوشانی دارد، و آن‌ها را دو برابر کنید. تریک، شما بدون مطالعه بی پایان یاد گرفتید.

• فرآیند خود را ایجاد کنید. الگوها و اصول را متناسب با سبک زندگی و موقعیت منحصر به فرد خود تنظیم کنید.

شما نیازی به یادگیری رسانه‌های اجتماعی، محتوا، بازاریابی ایمیلی، تولید سرخ، کپی رایتینگ، فروش یا هر یک از این موارد ندارید. شما باید شروع به دنبال کردن یک هدف کنید، راه‌های رسیدن به آن را جستجو کنید و آنچه را که کار می‌کند دو چندان کنید. اگر نتوانید چند دلار اول خود را ظرف ۳۰ روز به دست آورید، کاملاً کارهای اشتباهی انجام می‌دهید و در آن مرحله، مشکلات شما تنظیم عاطفی و تمرکز است. اونها رو حل کن ممنون که خواندید. - همه اینها را در برنامه فشرده ۳ روزه چگونه خود را تولید کنیم با جی کی مولینا و جاستین ولش مرور Dan P.S. می‌کنیم. اگر می‌خواهید کسب‌وکار خدماتی خود را راه‌اندازی کنید و در این مسیر تولید کنید، برای قیمت‌گذاری زودهنگام که در ۱۹ اوت به پایان می‌رسد، اینجا را بررسی کنید. اگر به سادگی می‌خواهید بیشتر بخوانید، در اینجا چند نامه تکمیلی وجود دارد که در مورد موضوعات ذکر شده در نامه بالا صحبت می‌کند:

می‌توانید درآمدها را بیشتر کنید

۲ نوع افرادی وجود دارند که این نامه را خواهند خواند.

حدود ۳۶ ماه فرصت دارید

من این بیانیه را در فضای مجازی مشاهده کرده ام:

منبع مقاله

<https://letters.thedankoe.com/p/learn-these-ai-proof-skills-if-you>

<https://x.com/thedankoe/status/1955310058016788522>